خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

در راهروی دادگاه خانواده

پنهان کاری آینده ام را نابود کرد

صدیقی- پنهان کاری خانواده شوهرم، آینده ام را تباه کرد. مستاصل شده ام و نمی دانم با بچه ای که در راه دارم چکار کنم و چه سرنوشتی خواهم داشت. شوهرم نه اهل کار است و نه مسئولیت سرش می شود، مدام یا در حال مصرف مواد یا در کمپ ترک اعتیاد است. زن جوان در راهروی مشاوره دادگاه خانواده می گوید: ۴ سال است که ازدواج کرده ام و از همان ابتدا با شوهرم سر مسئولیت پذیر نبودنش و نرفتن سرکار مشکل داشتم. نمی دانستم دلیل این کارش چیست. مدتی از زندگی زناشویی مان گذشت و وقتی دیدم زندگی ام می لنگد به اجبار برای امرار معاش آرایشگری کردم تا چرخ زندگی مان بچرخد. روزهایم را با تنش و شب هایم را با دلهره سر می کردم تا این که متوجه شدم باردار هستم. فکر می کردم همسرم از این موضوع خوشحال می شود و به خودش و زندگی مان تکانی می دهد. اما بعد از این که با آب و تاب از باردار بودنم برایش گفتم اصلاً برایش فرقی نداشت و ذوق زده نشد. دنبال اشکال کار می گشتم تا این که روزی داخل جیبش متوجه بسته عجیبی شدم، وقتی آن را به خانواده ام نشان دادم متوجه شدم مواد صنعتی است.

زمانی که راز بی حوصلگی همسرم را فهمیدم دنیا برایم تیره و تار شد و از غصه قلبم گرفت. بعد از این اتفاق تسلیم نشدم و تصمیم گرفتم به جای غصه خوردن، شوهرم را با کمک خانواده اش در یک کمپ ترک اعتیاد بستری کنم. امیدوار بودم شوهرم بعد از پاک شدن سر عقل بیاید و به دنبال یک شغل آبرومند برود اما خیال باطلی بیش نبود. چندین دفعه شوهرم را در کمپ بستری کردیم اما هر بار که بیرون می آمد دوباره مواد مصرف می کرد. درمانده شده بودم و زمانی که موضوع را برای پیدا کردن راه حلی به خانواده شوهرم گفتم آن ها آب پاکی را روی دستم ریختند و گفتند: فایده ای ندارد چون آن ها قبل از ازدواجش با من او را چند بار در کمپ ترک اعتیاد بستری کرده بودند اما اصلاح نشده بود و این کار به نوعی آب در هاون کوبیدن است.

بعد از شنیدن صحبت های خانواده شوهرم بد جوری به خاطر پنهان کاری شان اعصابم به هم ریخت چون اگر قبل از ازدواج ماجرا را به من گفته بودند این گونه در باتلاق گیر نمی کردم. وقتی دیدم که همه راه ها به بن بست می خورد و شوهرم اصلاً تمایلی به اصلاح رفتار و کارهای زشتش ندارد به دادگاه خانواده آمدم تا با دادن درخواست طلاق و جدا شدن از شوهرم حداقل بچه ای که قرار است چند وقت دیگر به دنیا بیاید با پدر معتادش روبه رو نشود و آینده اش مثل او دودی نشود.

کلاهبرداری از فرد ساده لوح

فرد شیاد از ساده لوحی یک نفر سوءاستفاده کرد و با جا زدن خودش به عنوان فرد با نفوذ در امر صدور گواهینامه، بعد از کلاهبرداری متواری شد. یکی از مال باختگان که در تله این شیاد افتاده و کلاه سرش رفته بود مدعی شد: خام چرب زبانی فرد کلاهبردار شدم . به دلیل بی سوادی نمی توانستم با وجود داشتن خودرو گواهینامه بگیرم. مدتی به این منوال گذشت تا این که به طور اتفاقی با یک نفر آشنا شدم که خودش را آدم با نفوذی در امر صدور گواهینامه معرفی کرد و گفت که از چند نفر پول گرفته تا برای آن ها گواهینامه صادر کند و اگر من هم تمایل داشته باشم می تواند با گرفتن مبلغ میلیونی این کار را برای من بدون دردسر انجام دهد. من که از گرفتن گواهینامه به دلیل بی سوادی ناامید شده بودم لحظه ای وسوسه شدم و گول حرف های او را خوردم و مبلغی را به او دادم. زمانی که به آدرسی که فرد مدعی در امر صدور گواهینامه داده بود رفتم متوجه شدم اصلاً چنین شخصی در آن جا وجود ندارد و او کلاهبردار بود.

گفت وگو با غسالی که ۱۸ سال سابقه کار دارد

داستان مرده ای که رگ دستش تکان می خورد

یوسف صدیقی

از مرکز شهر که به سمت آرامستان جاوید بجنورد به راه می افتید انگار جاده باریکتر می شود تا به شما بفهماند که به نوعی به آخر خط نزدیک می شوید. در میان جمعیتی که گذرشان به چنین جایی می افتد، هستند آدم‌هایی که حکایت‌شان تفاوت زیادی با بقیه دارد. مصاحبه شونده ما هیچ تفاوتی با دیگر افراد جامعه ندارد اما به خاطر انتخاب شغل «غسالی» یا همان «مرده شوری» از نگاه جامعه به آن کمی دلگیر است و می‌گوید: جامعه باید پذیرش بهتری درباره این شغل داشته باشد. گفت و گوی خبرنگار ما را با «نعمت باغچقی» غسالی که ۱۸ سال از عمرش را در این شغل سپری کرده و الان مدتی است که به مقام بازنشستگی نائل شده در ادامه می‌خوانید.

چه شد که این شغل را انتخاب کردید؟ از دیدن مرده نمی ترسیدید؟

قبل از این که وارد شغل غسالی بشوم جسته و گریخته در روستاها مرده ها را غسل می دادم و کفن می کردم و از همان دوران جوانی با این کار آشنایی داشتم. من آن زمان به دلیل ثواب داشتن این کار را انجام می دادم. با معرفی یکی از آشنایانم وارد این کار به صورت دایمی شدم . کلا دیدن مرده خواه ، ناخواه خوف دارد یک نفر بیشتر و یک نفر کمتر می ترسد اما من چون از دوران جوانی غسالی می کردم ترسی به دلم راه نمی یافت.

روزی چند ساعت کاری می کردید و چند مرده را شست و شو می دادید؟

ساعت کاری مان مشخص نبود، ما مدام در حال آماده باش بودیم. زمانی که در خانه در حال استراحت بودم در مواقع نیاز به غسالخانه برمی گشتم.

معمولا هر روز یک یا دو نفر شیفتی بعد از پایان ساعت کاری در غسالخانه حضور داشتند، کار غسالی شب و روز نمی شناسد و تعطیلی ندارد. معمولا روزی بین ۷ تا ۸ مرده را غسل می دادیم.

آیا اتفاق افتاده که هنگام شستن مرده ای احساس کنید زنده شده است؟

نه چنین چیزی اتفاق نیفتاد. اما روزی جوانی را که خیلی از زمان مرگش نمی گذشت برای شست و شو به غسالخانه آوردند. ما در حال غسل متوفی بودیم که یک لحظه رگ دستش تکان خورد و بستگان وی با دیدن این صحنه فکر کردند که او زنده شده و با سر و صدا سریع دکتر را به محل آوردند تا با شوک دادن او را به هوش آورند اما هر چقدر تلاش کردند فایده ای نداشت، چرا که تکان خوردن رگ دست بعد از گذشت مدتی از فوت شخص امر طبیعی است و بعضی از مردم با دیدن این صحنه فکر می کنند طرف زنده شده و هیجان زده می شوند.

آیا اتفاق افتاده که با دیدن مرده ای گریه کرده باشید؟

بله زیاد اتفاق می افتاد، غسل فوت شدگان زلزله سال ۷۵ خیلی من را متاثر کرد. روز بعد از زلزله یک وانت نیسان پر از جنازه را به غسالخانه آوردند که از همه قشر پیر، جوان و کودک بودند. با دیدن این صحنه خیلی آشفته شدم و از صبح تا غروب همزمان با غسل دادن گریه می کردم چون صحنه خیلی دلخراشی بود، دیدن اعضای یک خانواده در کنار هم که زیر آوار فوت کرده بودند دل هر کسی را به درد می آورد.

آیا پیش آمده بود که هنگام غسل یک مرده از خانواده متوفی ناسزا بشنوید یا با او درگیر شوید؟

خیلی اتفاق نیفتاد اما روزی مردی یک جنین سقط شده را آورد و از من خواست که او را غسل بدهم. چون مجوز غسل و کفن از دکتر نداشت از او خواستم مجوز بگیرد تا این کار انجام شود. مرد با شنیدن این حرف من خیلی عصبانی شد، ناسزا گفت و با من درگیر شد. زمانی که کمی آرام شد از من عذرخواهی کرد و گفت به خاطر این که سال ها صاحب فرزند نمی شد با سقط شدن جنین کنترلش را از دست داد و با من درگیر شد.

دیدن مرده ترس دارد؟ آیا شده کسی از دیدن جنازه اقوامش بترسد؟

بستگی به شخص دارد. یکی از همکارانم از دیدن متوفی می ترسید و هیچ وقت تنهایی در غسالخانه نمی ماند و بعضی از شب ها زمانی که در اتاق کناری غسالخانه می خوابیدیم با کوچکترین صدایی از خواب می پرید و شروع به سر و صدا می کرد و رنگ به رخسارش نمی ماند. بعضی از اقوام متوفیان هم زمانی که مرده را تحویل می دادند از ترس سریع غسالخانه را ترک می کردند و گاهی اوقات به خاطر شرایط جسمی متوفی به خاطر تصادفات شدید از دیدنش وحشت داشتند. شبی دو پسر جوان به دنبال من آمدند و از من خواستند که سر بالین مادرشان که رو به موت بود حاضر شوم و دعا و قرآن بخوانم، بعد از این که چند ساعت بر بالین مادرشان بودم او فوت کرد. زمانی که از آن ها خواستم تا صبح صبر کنند تا کارهای قانونی دفن و کفن مادرشان انجام شود از من خواستند که جنازه مادرشان را تا صبح بیرون از خانه بگذارم چون از میت وحشت داشتند، من با شنیدن این حرف ها با ناراحتی محل را ترک کردم.

آیا اتفاق افتاده که کسی از دست شما چیزی نخورد؟

بله روزی بعد از غسل چند میت، زمان استراحت با همکارانم مشغول خوردن چای بودیم و چند نفر از همراهان متوفیان هم آن جا بودند. وقتی به آن ها چای تعارف کردم با حالت خیلی بدی به من نگاه کردند و گفتند: چای شما آلوده است و از دست تان چیزی نمی گیریم.

آیا شده که خواب مرده ها را ببینید؟

بله بارها خواب می دیدم که در حال غسل دادن مرده ها هستم و با آنها حرف می زنم.

الان هم که بازنشسته شده ام دست از غسالی بر نداشته ام و مرده های بعضی از روستاها را غسل می دهم و کفن می کنم.

خبر

افزایش چهار برابری متوفیان مرگ خاموش در استان

تعداد متوفیان مسمومیت با گاز منو اکسیدکربن در استان طی هشت ماه امسال در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، چهار برابر شده است. مدیر کل پزشکی قانونی خراسان شمالی با اعلام این خبر افزود: تا پایان آبان ماه دوازده نفر بر اثر مسمومیت با گاز منواکسید کربن در استان جان خود را از دست دادند که از این تعداد یک نفر زن بود و یازده نفر مرد بودند.

به گزارش روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی خراسان شمالی، دکتر «سلحشور» افزایش آمار مرگ ناشی از استنشاق گاز منواکسید کربن را در مقایسه با سال گذشته نگران کننده دانست و گفت: تعداد این افراد در مدت مشابه سال قبل سه نفر بود.

وی در ادامه به وضعیت استان در خصوص این آمار اشاره کرد و گفت: در سال گذشته سیزده نفر در استان بر اثر استنشاق گاز منواکسید کربن جان خود را از دست دادند و استان به نسبت جمعیت، رتبه ششم تعداد مرگ های مسمومیت با گاز منو اکسید کربن را به خود اختصاص داد.

به گفته وی، از جمله عواملی که می تواند منجر به مسمومیت افراد با گاز منواکسید کربن شود، می توان به نصب ناصحیح و غیر اصولی آبگرمکن و بخاری در منازل، عدم کارکرد صحیح لوازم گرمایشی از جمله بخاری و آبگرمکن و عدم انجام تعمیرات دوره ای موتورخانه ها و همچنین استفاده از وسایل غیر ایمن جهت گرم کردن فضا اشاره کرد. علاوه بر این ها، مسدود شدن لوله بخاری و مسیر خروج هوا به هر شکل و اندازه که باعث بازگشت منواکسید کربن به داخل منزل شود، منجر به مسمومیت افراد خواهد شد. این متخصص پزشکی قانونی و مسمومیت‌ها، درخصوص علایم بروز مسمومیت با گاز منو اکسید کربن گفت: از آن جایی که نشانه های اولیه مسمومیت با این گاز بسیار شبیه علایم آنفلوانزاست، باید با افزایش آگاهی در این مورد از خطرات بعدی جلوگیری کرد. از اولین نشانه های مسمومیت با این گاز حالت ضعف و سستی در بدن و در ادامه سردرد، درد شکمی، سرگیجه، تهوع و استفراغ، ایجاد حالت دوبینی و تنفس های سریع و کوتاه است و در صورت شدت مسمومیت با این گاز، تشنج، بیهوشی، کما و در نهایت مرگ پدیدار می شود.